

استاد کارینا و پسرک واکسی

سلام دانشجویان عزیزم. امروز قصد دارم یکی از مهمترین خاطراتم را برای شما تعریف کنم. خاطره ای که خود یک دوره کامل درسی محسوب میشود و می تواند چراغ راه شما باشد. خوب اجازه دهید تا لپ تاپم را باز کنم چون تعدادی عکس و نمودار هست که باید حتما ببینید.

قبل از ورود به بحث باید شما را به یاد تاریخ ۱۹۲۹ بیندازم. قیمت‌های سهام آمریکا به حدی رسیده بود که پیش بینی‌های منطقی از آینده ممکن نبود. در نتیجه زمانی که در اکتبر ۱۹۲۹ حوادث متعدد جانبی منجر به کاهش قیمت‌ها شدند سرمایه‌گذاران اعتماد خود را از دست دادند و در نتیجه حباب بازار بورس ترکید. روز ۲۹ اکتبر (فراچارت: معروف به سه شنبه سیاه)، سقوط بازار بورس وال استریت تایید شد و پس از ۱۸ ماه صعود بی وقفه و سرسام آور قیمت سهام، بورس بازان دیگر افزایش نامحدود ارزش سهام را باور نداشتند. پس برنده شخصی بود که هر چه زودتر سهام خود را بفروشد. لذا فروش دستپاچه صاحبان سهام شروع گردید و موج خودکشی‌ها و تجمع‌های اعتراضی به راه افتاد. و جهان غرب با بزرگترین بحران اقتصادی خود مواجه گردید.

و بعد از آن **هربرت کلارک هورر**، رئیس جمهور ایالات متحده لجوجانه اعلام کرد «رفاه در کنج خیابان است» و کارشناسان می گفتند فروپاشی ارزش سهام بورس نمی تواند به «اقتصاد واقعی» آسیب برساند. جالب است بدانید دو روز پیش از این تاریخ، **ایروینگ فیشر** یک اقتصاددان بسیار مشهور و استاد دانشگاه ییل در روزنامه نیویورک تایمز تاکید کرده بود سطح قیمت سهام هنوز خیلی پایین است.



تظاهرات مردم در خیابان وال استریت

مردم آمریکا که در روزهای شکوفایی نسبی اقتصادی، سهام زیادی جمع کرده بودند و از این طریق ثروت زیادی بر روی کاغذ برای خود متصور شده بودند، آنها از ترس از دست دادن دارایی خود شروع به فروش سهام خود کردند. این امر سبب کاهش مجدد قیمت سهام شد، به طوری که ظرف ۱۹ روز، برای مثال قیمت سهامی از ۴۰۰ دلار به ۳۰ دلار رسید. به مرور با کم شدن قیمت سهام، قدرت خرید مردم پایین آمد و در نتیجه، تقاضا برای خرید کالا کم شد. قحطی شدید کشاورزان، بی‌خانمان شدن میلیون‌ها نفر و فروش نرفتن محصولات کارخانه‌ها، سبب بیکاری کارگران و ورشکستگی کارخانه‌ها و مراکز تولید گردید و تعداد بیکاران به میزان وحشتناکی بالا رفت. این افت، بزرگترین نمونه سقوط در تاریخ پولی جهان محسوب می شد. ادامه این وضعیت به بیکاری بیش از ۱۳ میلیون کارگر آمریکایی منجر

شد، دولت آمریکا برای مقابله با بحران، مالیات ها را افزایش داد، در نتیجه، مالیات دهندگان توان خرید خود را هر چه بیشتر از دست دادند و دور باطل تورم و بیکاری از سر گرفته شد.



خبر سقوط بورس در روزنامه ها

در این میان، از آنجا که از سوی سرمایه داران آمریکایی، سرمایه گذاری های کلانی در اروپا صورت گرفته بود، دامنه بحران اقتصادی آمریکا به سرعت به قاره اروپا نیز کشیده شد و بیکاری و ورشکستگی در این قاره نیز رواج پیدا کرد. هیچ یک از رکودهای اقتصادی تاریخ آمریکا به اندازه این بحران، موجب نارضایتی مردم از بی کفایتی مسؤولان و برنامه ریزان اقتصادی آمریکا نشده بود.

دانشجویانم این بحران عامل اصلی بروز جنگ دوم جهانی بود که دهها میلیون نفر در جریان آن جان خود را از دست دادند. پس به وضوح می بینید که بازار سهام می تواند سرنوشت همه چیز را در جهان تغییر دهد، لذا قدرت آن را دست کم نگیرید.

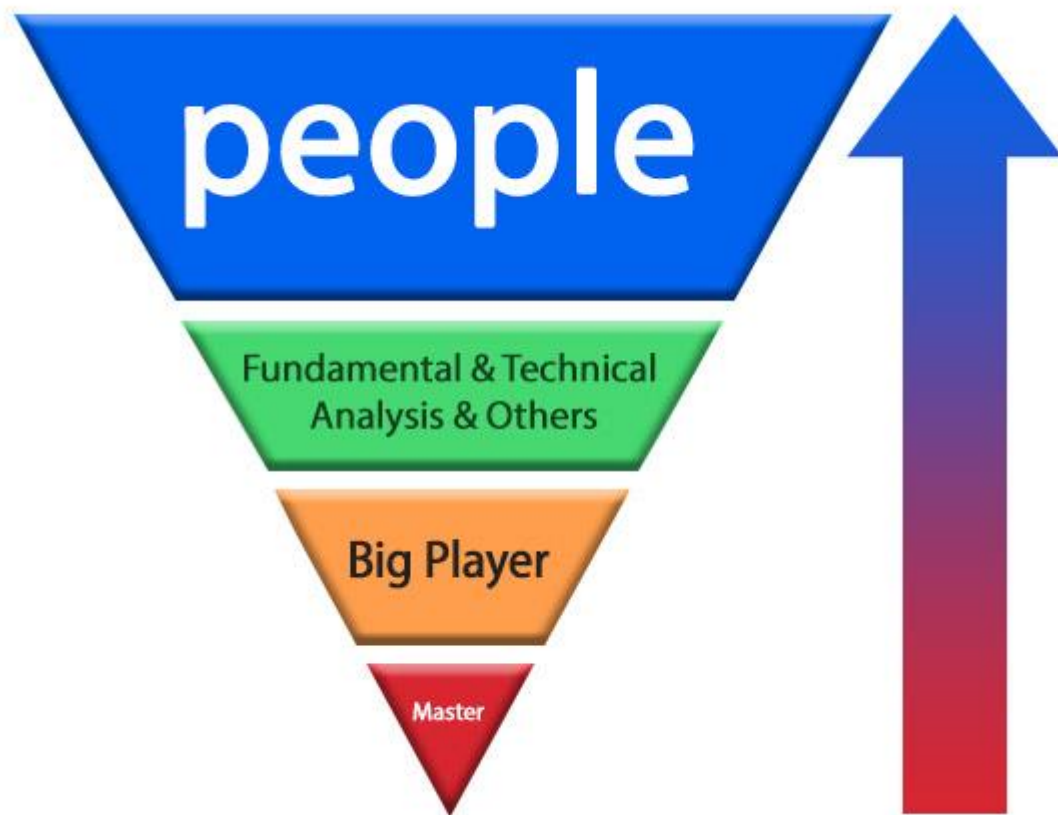
عزیزانم اما بعد در سال ۲۰۰۸ نیز مشابه این داستان در ابعادی متفاوت تکرار شد. این بحران از مسکن شروع گردید، تحت این عنوان که یک سری از مؤسسات مالی و وام دهنده ای که برای خانه خریدن و مسکن وام می دادند به دلیل حبابی شدن قیمت مسکن، آینده قیمتی را رو به افزایش می دیدند لذا طمع کردند، و حتی به افرادی هم که شرایط باز پرداخت وام ها را نیز نداشتند وام خرید خانه دادند. یعنی وام ها به افرادی داده شد که درجه ی اعتباری شان پایین بود و خودتان می دانید که نتیجه کار چه خواهد شد.



در تاریخ ۱۶ سپتامبر ۲۰۰۸، ورشکستگی و شکست موسسات مالی گسترده در ایالات متحده، به سرعت به بحران جهانی تبدیل شد و منجر به ورشکستگی تعدادی زیادی بانک در آمریکا و اروپا و کاهش شدید ارزش سهام و کالا در سراسر جهان شد.

خوب دانشجویانم این مقدمه ای بود برای اینکه بتوانم درس و خاطره امروز را برای شما تعریف کنم.

در همه بازارهای مالی ما با یک واقعیت تلخ روبرو هستیم که من در قالب یک Inverted pyramid (فراچارت: هرم برعکس) برای شما در این اسلاید نمایش داده ام:



در راس انتهایی این هرم **عالیجنابان نامرئی** قرار دارند (Master) که هم از پول و هم از قدرت سیاسی بسیاری برخوردار هستند. این افراد سهامی را که نظر دارند باید تغییر کند را در نظر می گیرند. این گروه تسلط ویژه ای روی رسانه های خبری و اذهان عمومی مردم دارند. در جایگاه بعدی بزرگان بازار سرمایه قرار دارند که با منابع مالی قوی ای که دارند با پله قبلی در ارتباط کامل هستند و در جایگاه بعدی تحلیل گران تکنیکال و فاندامنرال و سایر کسانی هستند که علائمی از صعود را مشاهده می کنند و در جایگاه بعدی مردم عادی هستند.

قیمت در بالاترین جایگاه که مردم عادی قرار دارند بیشترین رشد خود را تجربه می کند. عالیجنابان نامرئی برای ایجاد اشتیاق خرید در این جایگاه از هیچ چیزی دریغ نمی کنند از گران خریدن سهام به منظور ایجاد هیجان خرید گرفته تا خرج کردن میلیون ها دلار برای جعل اخبار و حسابهای شرکت و تبلیغات رسانه ای.

این قسمت از هرم، از لحاظ تعداد معاملات و از لحاظ زمانی داری بیشترین مقدار است. از لحاظ زمانی این طبقه طولانی و کند و زمان بر است به دو علت یکی زمان دادن به ورود کامل مردم عادی (بر اثر همان هیجانات ایجاد شده و تبلیغات و خبر سازی ها) و دیگری نقد کردن سهام عالیجنابان نامرئی که این نیز باید با حوصله انجام شود تا حساسیتی ایجاد نشود. (فراچارت: شما را به یاد سکه ۰۰۰/۶۰۰/۱ می اندازم که آن موقع صحبت از سکه دو میلیون تومانی بود)

ولی ریزش اصلی، قاطع و با خونریزی هر چه تمام انجام می گیرد و به دنبال آن مارکت به مانند یک دومینو فرو می ریزد. پس کاملاً هوشیار باشید که آخرین پول هایی که ممکن است وارد بازار سهام شود و به رشد آن کمک می کند در همین طبقه قرار دارد.

خوب بریم برای تعریف خاطره

سال ۲۰۰۸ بود که در یکی از خیابانهای فقیر نشین نیویورک در حال قدم زدن بودم. این عادت فصلی من بود، گاهی کمک هایی به افراد نیازمند می کردم. به ناگاه پسرک واکسی را در آن طرف خیابان دیدم، نزد او رفتم برای واکس زدن کفشهایم. روی صندلی لم داده بودم و در حالی که سیگار می کشیدم از پسرک پرسیدم در آمدت چطور است راضی هستی؟

پاسخ داد بد نیست، خدا را شکر کمی پس انداز دارم در حدود ۵۰۰ دلار که می خواهم همه اش را سهام بخرم تا بیشتر شود. این روزها همه دارند سهام می خرند.

لحظه ای به فکر فرو رفتم. واکس کفش هایم تقریباً تمام شده بود. ایستادم و یک اسکناس ۱۰۰ دلاری به پسرک دادم. گفت آقا!!!! من این همه پول خرد ندارم. لیخندی زدم و گفتم بقیه اش مال خودت. فقط قول بده که فلن سهام نخری. و در حالی که نگاهش به رفتن من خشکیده بود از او دور شدم.

فردای آن روز تمام سهام های خود را فروختم. و ریزش سنگین سهام ها از هفته بعد شروع شد و من بسیار خوشحال بودم که توانسته بودم علائم این ریزش را از زبان یک پسرک واکسی دریافت کنم. (فراچارت: همیشه کائنات، آگاهی ها و نشانه هایی برای شما دارد اگر دقت و توجه لازم را داشته باشید). قیمت ها تحت تاثیر پول پسرک واکسی یعنی آخرین پول هایی که ممکن است وارد بازار شود بالا میروند و نفس های آخرش را می کشد. و یکی از نشانه های انتهای یک روند صعودی همین است که مردم عادی به شدت اشتیاق دارند برای ورود به روند و احساس می کنند از پول بیشتر جا مانده اند و رشد های چشمگیری در آینده در انتظار آنهاست.